



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

سوی روش‌های پژوهش در ادبیات

ایران‌شناسی (زبان فارسی) که در این دانشکده در مقایسه با دپارتمان‌های دیگر دپارتمان کوچکی است، حمایت نمایند. زیرا وقتی دکتر باجاکو تنها استاد بومی این بخش بازنشسته شدند و بخش ایران‌شناسی به دلیل عدم توجه به موقع مسئولان وقت بدون استاد ماند و این بخش در شرف تعطیلی قرار گرفت، پروفسور جرج گریگوری که با فرهنگ غنی ایران آشنایی داشت تقبل نمودند که متون اسلامی را در این بخش تدریس نمایند و خانم دکتر لومینیتسا مونتنو از بخش ترک نیز با ایشان همکاری کردند. همچنین در دوره استاد اعزامی پیشین زبان

پیش از اینکه به گفت‌وگوی خود با پروفسور جرج گریگوری استاد بخش عربی دانشگاه بخارست، محقق و شاعر رومانیایی بپردازم، نیاز به یادآوری است که دلایل چندی موجب آن شد که این شخصیت فعال و علاقه‌مند را به جامعه ایرانی معرفی کنم. البته دلیل اصلی، مطالعات عمیق وی در قرآن کریم و متون دیرباف فلسفی و ترجمه آنها به زبان رومانیایی است. در واقع پیامد همین ژرفانگری‌های وی در متون مذهبی و فلسفی اسلامی-ایرانی، باعث شده است که ایشان در دانشکده ادبیات دانشگاه بخارست در هر زمانی به ویژه در مراحل بحرانی، از بخش



دکتر مهوش واحد دراست

گنجینه ادبیات و فلسفه

بروند و از آنجا به کشور خودشان رومانی برگردند. ترجمه قرآن کریم، به زبان رومانیایی که یکی از موفق‌ترین ترجمه‌ها در کشور رومانی است، دلیل بر عمق مطالعات ایشان است، نیاز به یادآوری است که ایشان در میان دانشجویان خود نیز محبوب هستند و یکی از استادان با سابقه و موفق دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه بخارست به شمار می‌آیند.

فارسی و در دوره مأموریت من در این دانشکده همیشه یار و یاور بخش فارسی بوده‌اند.

شاید یکی از دلایلی که ایشان را به کشور ایران علاقه‌مند کرده خاطره خوبی است که ایشان از دوره مأموریتشان در عراق در جنگ خلیج فارس از سفارت ایران در عراق دارند. ایشان تعریف می‌کنند که وقتی جنگ خلیج فارس پیش آمد، آنها می‌بایست از بغداد خارج می‌شدند ولی هیچ کسی در عراق به آنها کمک نکرد، تنها سفارت جمهوری اسلامی ایران به وی و همراهانشان کمک کرد تا از راه قصر شیرین به تهران

□ آقای پروفیسور جرج ممکن است درباره خودتان کمی صحبت کنید؟

■ من در ۱۹۵۸/۲/۲ در روستای «گریندو» در جنوب کشور رومانی به دنیا آمدم. و پس از اتمام تحصیلات به کار پرداختم، سال‌ها در شرکتی که در رابطه با کشورهای عربی بود، کار کردم و از طرف آنها به کشورهای عربی رفتم و سال‌ها در کشورهای عربی به ویژه عراق زندگی کردم. در شروع جنگ خلیج فارس به رومانی برگشتم. در سال ۱۹۹۴ به عنوان استاد زبان عربی در دانشگاه بخارست استخدام شدم. تمام زندگی من صرف مطالعه، تحقیق و تدریس شده و حاصل مطالعات من چندین کتاب و مقاله است. من شعر هم می‌گویم و دارای مجموعه شعر نیز هستم. هم اکنون در دانشگاه بخارست تدریس می‌کنم. تاکنون جوایز ادبی چندی از کشورهای عربی و از کشورهای خودم دریافت کرده‌ام، مدتی پیش برای چاپ مجموعه شعرهایم از طرف «نعمان» (خانه فرهنگ لبنان در کشور رومانی) لوح تقدیری دریافت نمودم و از طرف سفارت جمهوری اسلامی ایران در کشور رومانی نیز مورد تقدیر واقع شدم و جوایزی را دریافت کردم.

□ لطفاً درباره آثار و زمینه مطالعات خود صحبت کنید.

■ من در زمینه متون مذهبی و فلسفه اسلامی و ادبیات فارسی با استفاده از ترجمه‌های عربی مطالعاتی دارم، آثاری که از من تاکنون به چاپ رسیده است عبارت‌اند از: ترجمه قرآن کریم از زبان عربی به زبان رومانیایی، ترجمه بعضی از آثار امام محمدغزالی به زبان رومانیایی، ترجمه آثار و احوال ابن رشد، ابن طفیل، مانند ترجمه **حی بن یقظان**، کمک در فراهم آمدن مجموعه شعر فارسی حافظ، سعدی، رومی، خیام به زبان رومانیایی. ترجمه **نوروزنامه** به زبان رومانیایی، ترجمه اشعار بعضی از شاعران رومانی به زبان عربی و کتاب دیگر من که **بیر درویشان** نام دارد.

□ درباره پیشینه بخش فارسی در دانشکده ادبیات صحبت بفرمایید.

■ وقتی من در دانشگاه بخارست استخدام شدم بخش فارسی تأسیس شده بود و دکتر باجاکو و خانم ماریانا پتگو در آنجا تدریس می‌کردند. پس از بازنشسته شدن دکتر باجاکو خانم ماریانا هم بخش فارسی را ترک کردند.

□ تا جایی که من اطلاع دارم شما با پاره‌ای از شاعران برجسته کلاسیک ایران مانند سعدی، خیام، مولوی و حافظ آشنایی دارید در مقایسه با سبک و روند فکری آنها با شاعران رومانیایی چه نظری دارید؟

■ البته من زبان فارسی نمی‌دانم و اطلاعات من درباره این شاعران از راه ترجمه‌ها به ویژه ترجمه‌های آثار آنها به زبان‌های رومانیایی و عربی است پاره‌ای از ایران‌شناسان رومانیایی چون دکتر باجاکو و دیگران آثار این شاعران را به زبان رومانیایی ترجمه کرده‌اند. مقایسه این شاعران با شعرای رومانیایی خیلی مشکل است زیرا مسئله اختلاف زمانی در میان است. ادبیات مکتوب رومانیایی از قرن نوزدهم شروع می‌شود. البته شاعران کلاسیک ایرانی در شاعران معاصر رومانی تأثیر گذاشته‌اند، این تأثیر مستقیم و از زبان فارسی نبوده، بلکه از راه ترجمه‌های آثار این شاعران بوده است، مانند ترجمه‌هایی که به زبان آلمانی وجود دارد. من آثار بزرگانی چون مولوی، عطار، جامی، سهروردی، غزالی را که به زبان عربی ترجمه شده‌اند مطالعه کرده‌ام و از خواندن آنها لذت می‌برم مخصوصاً از خواندن **مثنوی** که یکی از آثار پرشکوه خاورمیانه است. درباره تأثیر شاعران ایرانی بر شاعران رومانیایی باید بگویم که برجسته‌ترین شاعر رومانیایی «امینسکو» به نوعی از خیام تأثیر پذیرفته است.

□ کدام شاعر رومانیایی بیشترین تأثیر را روی شما گذاشته است؟

■ از میان شاعران معاصر رومانیایی «نیکیتا ستانسکو»، «آنا بلاندیان» و «مارین سورسکو» بیشترین تأثیر را در من گذاشته‌اند، به طوری که من پاره‌ای از آثار آنها را از زبان رومانیایی به زبان عربی ترجمه و آنها را در بغداد چاپ کرده‌ام. در سال ۱۹۹۵ من اشعار شاعر



□ آیا دوست دارید زبان فارسی را یاد بگیرید؟

■ بله ، ولی مشکل است ، من وقت زیادی ندارم . برای یادگرفتن یک زبان و یک فرهنگ ، فرهنگی به بزرگی فرهنگ ایران ، انسان باید تمام وقت خود را صرف آموختن آن بکند . در طول زندگی ، دو زبان و دو فرهنگ متفاوت چون فارسی و عربی را مشکل است بتوان در کنار هم فراگرفت .

□ کی و چگونه با زبان عربی و فرهنگ اسلامی آشنا شدید؟

■ من از نخستین سال های مدرسه مجذوب و علاقه مند فرهنگ و زبان و تمدن دنیای شرق بودم . نخست خودم بدون معلم شروع به آموختن زبان چینی کردم و بعد به آموختن زبان عربی در پیش خود پرداختم . پس از اتمام تحصیلات دبیرستان به کلاس های دانشگاه جامعه شناسی «یوان دالس» بخارست رفتم . در سال ۱۹۷۸ در امتحان ورودی دانشگاه بخارست شرکت کردم و وقتی در دانشگاه بخارست پذیرفته شدم در بخش عربی و چینی ثبت نام کردم . در سال سوم دانشگاه دریافته کم نمی توانم بر دو زبان مشکل و دور از هم ، در کنار یکدیگر تسلط یابم . از این رو توجه خود را بیشتر به آموختن زبان عربی معطوف کردم . حتی پس از تمام کردن دانشگاه تصمیم گرفتم زمینه کاری خود را در زبان عربی انتخاب کنم . بنابراین تمام تلاش من به آموختن و تسلط بر زبان عربی متمرکز شد .

□ آیا با دنیای عرب تماس داشتید و بورس هایی از کشورهای

عربی برای ادامه تحصیل اخذ کردید؟

■ من در دوره تحصیل دانشجویی هیچ بورسی برای تحصیل در زبان عربی نگرفتم ولی این مسئله مانع از فراگرفتن این زبان نشد ، زیرا استادان بسیار خوبی داشتم و من زبان عربی را از آنها یاد گرفتم . پس از اتمام تحصیل این فرصت را داشتم که در شرکت «رم نفت» در بخارست کار کنم . در نتیجه امکان مسافرت من به کشورهای عربی فراهم شد . من در کشورهای عربی از این منطقه به آن منطقه سفر کردم ، از این گوشه به آن گوشه رفتم . تجربه این سفرها را روی پوستم ، در تمام

معاصر رومانیایی خانم «آنا بلان دیانا» (Ana Blandiana) را با عنوان **کان یجب و اشعار نیکیتا ستانسکو** (Nichita Stanesco) را به عربی ترجمه کردم .

□ آیا تاکنون به ایران مسافرت کرده اید؟

■ بله ، من به ایران مسافرت کرده ام ولی در موقعیت بسیار بدی به ایران سفر کردم ، در جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ من در بغداد بودم و در یک کمپانی رومانیایی کار می کردم . در این موقعیت در آنجا کسی از ما حمایت نکرد تا از عراق خارج شویم . ولی سفارت جمهوری اسلامی ایران به ما کمک کرد ، ما وارد ایران شدیم و به قصر شیرین رفتیم . در آن موقع این مناطق همه سوخته و به صورت وحشتناکی درآمده بودند . مردم این مناطق بسیار مهربان بودند و به ما خیلی کمک کردند . ما به کرمانشاه رفتیم ، بعد به تهران و پس از دو هفته به رومانی برگشتیم .

□ آیا باز هم دوست دارید به ایران مسافرت کنید؟

■ البته دوست دارم که دوباره به ایران مسافرت کنم .

وجود احساس می‌کنم. من مجذوب فرهنگ و زبان عربی شدم و امروز این تجربه‌های فرهنگی مسحورکننده را به دانشجویانم منتقل می‌کنم.

□ لطفاً درباره اولین ترجمه‌ها و کتاب‌های خود صحبت کنید.

■ نخستین ترجمه‌های من با تجربه‌های دوره اقامتم در عراق در ارتباط هستند. یعنی از سال ۱۹۸۱ تا ژانویه ۱۹۹۱ که شروع جنگ خلیج فارس بود. من در این سال‌ها تجربه‌های زیادی به دست آوردم که همه درباره بغداد عزیز من هستند. من با گویش و لهجه مردم بغداد در طی این سال‌ها آشنا شدم و بعد اولین کتابی که ترجمه کردم درباره این گویش است.

□ میان عربی رسمی و ادبی با عربی گویشی چه تفاوتی

می‌بینید؟

■ عربی رسمی و ادبی را می‌توان از کتاب‌ها آموخت ولی برای یادگرفتن گویش‌های متفاوت عربی باید میان مردم زندگی کرد و آنها را آموخت.

محتویات اولین کتاب من دربردارنده تجربه‌هایی است که در ارتباط‌هایم با مردم عراق و فرهنگ و تمدن مردم عراق به دست آورده‌ام، من این تجربه‌ها را حضوری لمس کرده، دریافته، فهمیده و بعد نوشته‌ام. کتاب من مجموعه داستان‌هایی است که من آنها را از چاپخانه‌های بغداد، از پیرمردهایی که در شب‌های طولانی ماه رمضان آنها را تعریف می‌کردند، گرفته‌ام. این کتاب را در سال ۱۹۹۳ چاپخانه «کرسی» بغداد چاپ کرد. این کتاب، کتاب دیگری را به دنبال داشت که درباره «یزیدیت»ها (yazidits)، گروه مردمانی که هم خدا و هم شیطان را می‌پرستند، نوشتم. من با این مردم وقتی که در کردستان عراق اقامت داشتیم آشنا شدم.

□ چه شد که شروع به ترجمه قرآن کریم کردید؟

■ در تابستان ۱۹۹۰ که در بغداد بودم تصمیم به ترجمه قرآن کریم گرفتم. حالا وقتی به جسارت خود فکر می‌کنم از خاصی و بی‌تجربگی خودم خنده‌ام می‌گیرد که من با چه جرأتی دست به این کار زدم! جسارتی کودکانه بود به دریایی قدم گذاشتم که عمق آن را تخمین نزده بودم. من در آن زمان که به ترجمه ادبیات عربی به رومانیایی و ادبیات

رومانیایی به زبان عربی در مجله‌های فرهنگی پرداخته بودم فکر می‌کردم که می‌توانم هرچیزی را ترجمه کنم! از این رو یک روز تصمیم به ترجمه قرآن کریم به زبان رومانیایی گرفتم.

یک نسخه از قرآن کریم را به دست آوردم و با ماشین تحریر خودم شروع به ترجمه کردم! دریافتم که چقدر مشکل است! تصمیم گرفتم اول مطالعات گسترده‌ای در زمینه علوم اسلامی، اصطلاحات قرآن کریم، تفسیرهای قرآن کریم، نقد تفسیرها، ترجمه‌هایی که از قرآن کریم به زبان‌های دیگر موجود بود، حتی ترجمه‌هایی که از انجیل به زبان رومانیایی در دست بود، داشته باشم. با علم بر این زمینه‌ها، پس از دو سال، در سال ۲۰۰۰ من ترجمه خود را در چاپخانه «کریتون» چاپ کردم. در همان زمان من از پایان نامه خود با عنوان «اشکالات ترجمه‌های قرآن کریم در زبان رومانیایی»، زیر نظر دکتر «نادیا آنجلسکو» (Nadia Anjelescu) دفاع کردم.

این پایان‌نامه در سال ۱۹۹۷، در چاپخانه آزارات در بخارست به چاپ رسید.

در مورد اینکه من چگونه شروع به ترجمه قرآن کریم کردم، شعر شاعر سوری «نزار قبانی» را به خاطر می‌آورم: اگر می‌دانستم که دریا این قدر عمیق است هرگز به آن پانمی‌نهادم. هرچه بیشتر نسبت به قرآن کریم علم پیدا کنی همان قدر به موفقیت خود در ترجمه شک می‌کنی. دو سال پس از اولین چاپ ترجمه خود، دومین چاپ پس از تجدید نظر در سال ۲۰۰۳ در بخارست و سومین چاپ در استانبول صورت گرفت.

□ در میان ترجمه‌هایی که از قرآن کریم به زبان رومانیایی وجود دارد، به نظر شما کدام یک مطالب تازه‌تری را ارائه می‌دهد و چه تفاوت‌هایی میان آنها است؟

■ تاریخ و تجربه نشان داده است که نسخه‌های ترجمه شده از یک کتاب همیشه با یکدیگر متفاوت هستند. همان‌طور که نمی‌توانیم بگوییم کدام ترجمه از انجیل واقعی است در مورد ترجمه‌هایی هم که از قرآن کریم موجود است نمی‌توانیم بگوییم کدام واقعی است. هر کدام ویژگی‌های خود را دارند.

ولی این یک واقعیت است که بعضی از ترجمه‌ها موفق‌ترند. آیا موفقیت به خاطر معروف بودن مترجم است؟ آیا به خاطر ترجمه عینی و کلمه به کلمه متن و وفادار بودن به متن اصلی است؟ یا به خاطر کیفیت



که از انجیل به زبان های دیگر موجود است ، همین مسئله صدق می کند . قرآن و انجیل هر دو کلام خدا هستند که یکی در «مکه» و دیگری در «بیت اللحم» نازل شده اند . اسلام بر قرآن و مسیحیت بر انجیل استوار است .

□ شما همچنین تعدادی از آثار دانشمندان و فیلسوفان اسلامی مانند غزالی ، ابن طفیل ، و داستان های فلسفی از ابن رشد و ابن عربی و ... را ترجمه و چاپ کرده اید ، چه انگیزه های باعث ترجمه و چاپ این کتاب ها شده است؟

■ من این کتاب ها را به همه خوانندگان رومانیایی تقدیم کرده ام تا آنها اطلاعاتی در این زمینه ها داشته باشند و با آشنایی به مباحث دینی در اسلام و مسیحیت ، بتوانند از عقاید مذهبی دفاع کنند . این انگیزه های بود که باعث شد من اقدام به چاپ این مجموعه بکنم . من کتاب های دیگری را چاپ کرده ام که برای جهان اسلام منبع و مرجع هستند .

□ برای آینده چه برنامه ای دارید؟

■ دلم می خواهد کتاب اسلامی و صوفیانه الفتوحات المکیه ابن عربی را که کتابی هزار صفحه ای درباره وقایع سال ۵۶۰ است ، به زبان رومانیایی ترجمه کنم ، ولی کی؟ نمی دانم .

پانویشت:

* رومانی ، بخارست ، اردیبهشت ۱۳۸۴

زبانی است که متن باید به آن زبان ترجمه شود ، یا به خاطر مسائل دیگری است؟ امکانات ترجمه ای زیادی وجود دارد و تفاوت هایی که در ترجمه های موجود از یک متن موجود است ، نشان می دهد که مترجم در برداشت خود از متن که فکر می کرده درست است ، ممکن است اشتباه کرده باشد . پس ترجمه یک متن از زبانی به زبان دیگر کار آسانی نیست . مترجم فقط خواننده یک کتاب نیست ، بلکه ترجمه او نتیجه کیفیت فهمیدن او از کتاب است . پس تضادها و گوناگونی هایی که در ترجمه های موجود از قرآن کریم در زبان رومانیایی وجود دارد ، نشان از کیفیت فهم مترجم دارند . هرچه تعداد ترجمه ها بیشتر باشد معانی بیشتری از قرآن کریم بر ما آشکار می شود .

قرآن یک کتاب بی همتاست ، قرآن ام الکتاب است ، معجزه خدایی است که هیچ رابطه ای با تجربه قبلی انسانی ندارد و هیچ ربطی با تجربه و فکر محمد (ص) ندارد . او یک فرستاده است که پیام خداوند را آورده و این پیام به زبان عربی است ، می خواهم بگویم که شخص نمی تواند ترجمه را جایگزین کلام خدا بکند . کتاب های مقدس قرآن و انجیل اصطلاحات مذهبی و آسمانی دارند و دارای راز و رمزهای الهامی هستند که از طرف خدا الهام شده اند . در موقع ترجمه از زبان اصلی به زبان دیگر ، در ترجمه کلمه های آسمانی و اصطلاحات الهامی ، کلمه ها کوچک تر و حقیرتر از آن هستند که بتوانند معانی اصلی را پوشش بدهند . من هم در ترجمه خود نخواسته ام کلام خدا را به زبانی دیگر تبدیل کنم ، ترجمه من فقط ایده و معنایی است که از آن دریافت کرده ام بدون آنکه بخواهم آن را تبدیل کنم ، پس من فقط معنی را ترجمه کرده ام . همه ترجمه ها از کتاب های مقدس چنین هستند در مورد ترجمه هایی